

مطالعات توسعه و مؤلفه منابع

نویسندگان: عبدالرشید دیوسالار
غلامرضا حداد، مهرداد نظری، زهرا میراحسنی
آمنه جعفری قدوسی، مهین شمس‌احمر

با مقدمه دکتر ناصر فکوهی

عنوان پدید آورنده	: مطالعات توسعه و مولفه منابع / نویسندگان عبدالرسول دیوسالار ... [و دیگران]; مقدمه ناصر فکوهی
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ ص.: مصور، جدول، نمودار
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۴۴۵-۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: نویسندگان عبدالرسول دیوسالار، غلامرضا حداد، مهرداد ناظری، زهرا میراحسنی، آمنه جعفری قدوسی، مهران شمس‌احمر
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
نوع	: توسعه پایدار
موضوع	: رشد اقتصادی
موضوع	: توسعه پایدار -- ایران
دوره	: دیوسالار، عبدالرسول، ۱۳۶۰ -
ردیف	: ۱۳۹۱: ۳۳۴/۴۴۵-۰۰/ت۹۷۸
ردیف	: ۳۳۸/۹:
شماره کتاب	: ۳۰۶۲۵۲۶ ملی



مطالعات توسعه و مولفه منابع

نویسندگان: عبدالرسول دیوسالار، غلامرضا حداد، مهرداد ناظری، زهرا میراحسنی

آمنه جعفری قدوسی، مهران شمس‌احمر

طرح جلد: امیر علایی

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: مجاب

آدرس: خیابان توحید، ابتدای خیابان پرچم، پلاک ۲، طبقه ۴، انتشارات روزنه

تلفن: ۶۶۵۶۷۹۲۵ - ۶۶۴۳۰۵۰۳ - ۶۶۵۶۷۹۲۶ - ۶۶۵۶۷۹۲۶

ISBN: 978-964-334-445-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۴۴۵-۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	عنوان
۱۱	مقدمه دکتر ناصر فکوهی
۱۷	مقدمه: به سوی پیش‌نظریه‌ی توسعه‌ی منبع‌محور

بخش اول: مفهوم‌سازی منابع و توسعه

۲۹	فصل اول: منابع و توسعه
۲۹	۱. مقدمه
۳۰	۲. توسعه به مثابه پایش: مسئله و ف
۳۷	۳. نظریه توسعه همچون گراپند: معطوف به یک وضعیت
۴۱	۴. فرضیه‌سازی در روابط منابع و توسعه
۵۹	منابع فصل اول
۶۱	فصل دوم: تحول نظریه توسعه در منابع مختلف
۶۱	۱. مقدمه
۶۲	۲. سوابق نظری توسعه
۶۵	۳. طبقه‌بندی نظریات توسعه
۶۷	۴. مکتب نوسازی
۷۶	۵. مکتب وابستگی
۷۷	۶. نظریه وابستگی
۸۳	۷. گرایش‌های کنونی و آتی در نظریات توسعه
۸۷	۸. پست‌مدرنیسم و توسعه
۸۹	۹. جمع‌بندی
۹۱	منابع فصل دوم
۹۳	فصل سوم: مبانی مشترک توسعه
۹۳	۱. مقدمه
۹۵	۲. ضرورت‌های نظری و عملی تعریف مبانی مشترک توسعه
۹۷	۳. مبانی مشترک در مفهوم توسعه
۱۰۵	۴. جمع‌بندی
۱۰۷	منابع فصل سوم

فصل چهارم: منبع چیست و منابع کدامند؟	۱۰۹
۱. مقدمه	۱۰۹
۲. چستی منبع و تعریف منابع ملی	۱۱۰
۳. ملاحظات مفهومی منابع ملی	۱۱۷
۴. اجزا و عناصر منابع ملی	۱۲۳
جمع بندی	۱۲۸
منابع فصل چهارم	۱۲۹

بخش دوم: تجزیه و تحلیل روابط منابع و توسعه

فصل پنجم: الگوی ارتباط منابع ملی در توسعه	۱۳۳
۱. مقدمه	۱۳۳
۲. نقش منابع در توسعه: نظریه ثروت کل	۱۳۵
۳. مسئله ترکیب منابع و مفهیم مرز	۱۳۹
۴. تعیین ترکیب منابع ملی بر طریقی برآورد ثروت کل	۱۴۶
۵. ترکیب منابع ملی	۱۵۰
۶. جمع بندی	۱۵۶
منابع فصل پنجم	۱۶۱
فصل ششم: نقش منابع ملی در توسعه از منظر سیاست	۱۶۳
۱. مقدمه	۱۶۳
۲. تعریف مفاهیم	۱۶۶
۳. مروری بر ادبیات نظری تضادگرایان	۱۶۶
۴. روش تحلیل مارکس به مثابه چهارچوب نظری	۱۷۱
۵. تضادهای سرمایه داری و توزیع ناعادلانه منابع	۱۷۶
۶. مالکیت خصوصی و زوال منابع	۱۷۸
۷. ناکارآمدی دولت ها، اضمحلال و تخریب منابع	۱۸۰
۸. فرایند شکل گیری آگاهی و افزایش بهره وری منابع	۱۸۲
۹. الگوی مفهومی روابط منابع ملی و توسعه	۱۸۴
۱۰. برداشتی نو از نظریه مارکس	۱۸۵
۱۱. جمع بندی	۱۸۶
منابع فصل ششم	۱۹۱
فصل هفتم: توسعه و ساختار توزیع منابع در نظام سیاسی	۱۹۳
۱. مقدمه	۱۹۳
۲. الگوی ضرورت ساختاری اِپَر به مثابه چهارچوب نظری	۱۹۷

۲۰۰	۳. ساختار تعیین و توزیع منابع
۲۰۲	۴. تغییر الگوی تخصیص منابع در نظام‌های سیاسی و اثر آن بر نوسازی
۲۰۵	۵. جمع‌بندی
۲۰۷	منابع فصل هفتم
۲۰۹	عمل هشتم: نقد رابطه‌ی همبستگی منفی منابع ملی و توسعه با تأکید بر منابع طبیعی
۲۰۹	مقدمه
۲۱۴	۱. ادبیات نظری
۲۱۷	۳. مفهوم توسعه اقتصادی
۲۱۷	۴. مفهوم منابع
۲۱۸	۵. نهادها و کیفیت منابع
۲۱۹	۶. منابع طبیعی و کیفیت زیجاری
۲۲۳	۷. عوامل تأثیرگذار بر کیفیت منابع
۲۲۵	۸. بیان نموداری نقش منابع ملی در توسعه اقتصادی
۲۲۸	۹. جمع‌بندی
۲۳۱	منابع فصل هشتم
۲۳۳	فصل نهم: جایگاه منابع ملی در سیاست ملی توسعه‌گرا
۲۳۳	۱. مقدمه
۲۳۵	۲. فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها به مثابه مفهوم راهبردی
۲۳۶	۳. پیشینه پژوهش در ایران و جهان
۲۳۸	۴. مفهوم منابع، سیاست و دولت توسعه‌گرا
۲۴۴	۵. منابع ملی سیاست خارجی
۲۴۹	۶. الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا
۲۵۵	۷. منابع ملی در سیاست خارجی توسعه‌گرای ایران
۲۶۷	۸. جمع‌بندی
۲۶۹	منابع فصل نهم
۲۷۳	فصل دهم: نگرش راهبردی به منابع ملی و تعیین اهداف توسعه
۲۷۳	۱. توسعه ملی و تعاریف آن
۲۷۶	۲. مبانی مفهومی منابع ملی
۲۷۷	۳. الگوی مفهومی تحقیق
۲۷۸	۴. منابع ملی و نگرش راهبردی
۲۸۰	۵. قلمرو مفهومی و مؤلفه‌های مشترک در تعریف راهبرد
۲۸۳	۶. مدیریت راهبردی و محیط پیچیده‌ی ملی
۲۸۵	۷. مدیریت راهبردی و جلاگذاری منابع ملی در برنامه‌ریزی توسعه

۲۸۸	۸. مدیریت یکپارچه‌ی منابع
۲۸۹	۹. به‌کارگیری رویکرد راهبردی در مدیریت منابع ملی
۲۹۲	۱۰. جمع‌بندی
۲۹۵	منابع فصل دهم
۲۹۷	فصل یازدهم: نگاه پست‌مدرن به رابطه میان توسعه و منابع
۲۹۷	مقدمه
۳۰۰	۲. آن‌های پست‌مدرنیسم از منظر لیونار، فوکو، دریدا و گیر
۳۰۵	نمایشه بودریار به‌مثابه چهارچوب نظری
۳۰۸	۱. پست‌مدرنیسم چیست؟
۳۰۹	۵. توسعه منابع و پست‌مدرن
۳۱۲	۶. بحران محیط‌زیست منابع و پست‌مدرنیسم
۳۱۵	۷. پست‌مدرنیسم؛ مصرف‌گرایی یا صرفه‌جویی
۳۱۸	۸. قرائت پست‌مدرنیسم؛ آگاهی و تغییر در نوع نگاه
۳۲۲	۹. تعاریف پست‌مدرن توسعه منابع
۳۲۶	۱۰. پست‌مدرنیسم؛ مواجهه با آن‌ها در راهکارها
۳۳۱	۱۱. جمع‌بندی
۳۳۳	منابع فصل یازدهم

بخش سوم نتیجه‌گیری

۳۳۷	فصل دوازدهم: اهمیت بنیادین روابط توسعه و منابع
۳۳۷	۱. مقدمه
۳۳۹	۲. محورهای ارتباط میان توسعه و منابع
۳۳۹	۲-۱. تناسب میان ساخت و ترکیب منابع با وضعیت توسعه‌یافتگی
۳۴۱	۲-۲. تناسب میان ساخت و مدیریت منابع با وضعیت عقب‌ماندگی
۳۴۲	۲-۳. ساختار ضروری تخصیص منابع در نظام‌های سیاسی و تأثیر آن بر روندهای توسعه
۳۴۳	۲-۴. فراوانی منابع و تضعیف رشد اقتصادی ناشی از ضعف در کیفیت نهادی
۳۴۶	۲-۵. هدف‌گذاری برنامه‌های توسعه بر مبنای منابع ملی
۳۴۵	۲-۶. تغییر ساختار منابع و رابطه‌ی آن با تغییر اجتماعی
۳۴۷	۳. جمع‌بندی
۳۴۹	منابع فصل دوازدهم
۳۵۱	کتاب‌شناسی توسعه و منابع
۳۶۹	نمایه

❖ سخن هزاره ❖

تجربه کشور را قوی تر کرده و نشان می دهد با وجود انجام تلاش هایی در دو عرصه دانش نظری و عملی که برای تحقق توسعه و پیشرفت و رسیدن به وضعیت مطلوب، کماکان رکن طلایی پیش رو است. با توجه به ظرفیت ها و منابع بالقوهی سرشار موجود در کشور، بر مبنای های گوناگون نتوانسته اند سطح مطلوب و رضایت بخشی از پیشرفت را در این فرآیند، اقتصادی، اعتقادی و... فراهم آورند. با نگاهی عمیق می توان دریافت که کشور به پیشرفت، علاوه بر ابعاد اقتصادی - اجرایی، دارای ابعاد اجتماعی - فرهنگی نیز هست؛ ابعادی که می توان اصلی ترین تجلی گاه آن را در نیل به وفاق و اجماع ملی و پی بردن جامعه ای دانش بنیان یافت. به بیان ساده، جوامع به پیشرفت مورد انتظار خود دست خواهند یافت، مگر اینکه در گام نخست، کشف و فراهم آوردن ابزارها و لوازم تحقق آن در شبکه ای درهم تنیده ای از نخبگان، مردم و دولت، به دغدغه و خواست مشترک تبدیل شود و هریک متناسب با ظرفیت ها و قابلیت هایشان مسئولیتی را عهده دار شوند. این گونه وفاق و اجماع ملی برای داشتن جامعه ای پیشرفته مهیا شود؛ وفاقی که متضمن هم افزایی قابلیت ها و دست یافتن به آمال و آرزوهای مشترک خواهد بود. در گام دیگر، ضرورت است تمام تصمیم ها، اقدام ها و سیاست گذاری ها محصول فرایندهای علمی باشند. واضح است این مهم محقق نخواهد شد، مگر آنکه رفتار علمی در میان عناصر اجتماع نهادینه و پایه های جامعه ای دانش بنیان پی ریزی شود.

بر این مبنا و با توجه به ضرورت بسیج ملی برای طراحی و تدوین مدل مناسب توسعه، مؤسسه اندیشه و پژوهش (اندیشگاه) طرح هزاره، مسئله پیشرفت و توسعه ی کشور را به عنوان دغدغه ی اصلی خود برگزیده است. این اندیشگاه با تأکید بر مبانی

اسلامی و ایرانی، تفکر جمعی، پرهیز از مطلق‌گرایی تشویک، تأکید بر خردگرایی و عقلانیت، تأسی از عدالت‌محوری، نگاه جهانی مبتنی بر تحقق منافع ملی و به کارگیری دانش روشنفکران و نخبگان این مرز و بوم، در راستای توانمندسازی ذی‌نفعان مشروع توسعه اعم از تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان و آحاد مردم به منظور تسریع جریان پیشرفت بالندگی کشور گام برمی‌دارد. اندیشگاه طرح هزاره با تسهیل در ایجاد بسترهای دانش و ایجاد فضای آزاداندیشی برای مطالعه‌ی مبانی نظری پیشرفت و توسعه با هدف حفظ منافع ملی، در این جنبش ملی مشارکت می‌کند.

این اندیشگاه با تأکید بر اصلیت اصلی خود را تلاش برای نیل به الگوی مناسب پیشرفت، توسعه و تعالی کشور و همیاری در بهبود مستمر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های ذی‌نفعان مشروع، به صورت تیمی و سازشی و ارائه‌ی مشاوره به آنها، به منظور تحقق اهداف زیر قرار داده است:

- تلاش برای طراحی الگوی بومی پیشرفت و توسعه؛
- بسترسازی دانشی، علمی و آفرینی مکانب توسعه؛
- تولید اسناد راهنما و سیاست‌پیشی در حوزه‌های گوناگون توسعه و
- ارائه‌ی راه‌حل‌های علمی - کاربردی و اجرایی.

اندیشگاه امیدوار است با انتشار کتاب حاضر ضمن غنی‌سازی متون علمی مربوط به «توسعه و پیشرفت»، چهارچوب تحلیلی مناسبی برای ارزیابی مسائل و ارائه راهکار پدید آید. همچنین مرجع علمی برای کلیه پژوهشگرانی باشد که به مطالعه، تحقیق و برنامه‌ریزی در راستای پیشرفت کشور اشتغال دارند. مؤسسه اندیشه راهکار با طرح هزاره، امیدوار است با بهره‌مندی از نظرات اصلاحی و انتقادی خوانندگان، بتواند به تکمیل مطالعات خود بپردازد.

دکتر حسن حاج‌قاسم

مدیرعامل مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره

❖ مقدمه دکتر ناصر فکوهی ❖

پس از پایان جنگ جهانی دوم و معماری جدیدی که فاتحان این جنگ برای جهان از جمله در کنفرانس برن، و بر طراحی کردند و کنار گذاشته شدن گسترده و نظاممند نظرات کینزی برای مدیران جهان پس از جنگ، که از جمله با گسترش مبادلات پولی بین‌المللی مخالف بود، چه در کنفرانس مذکور و چه در سیاست‌گذاری‌های توسعه پس از آن و حتی امروزه و پس از آنکه بیشتر از بیست سال، حوزه توسعه در زمینه‌های نظری و عملی، دستاوردهای چندانی نداشته‌اند؛ شاید همین امر بتواند بخشی را بگشاید که کتاب حاضر به شکل ایده‌ای به آن پرداخته است. در طول این شصت سال، نظریه‌های بی‌شمار و شاید میلیون‌ها صفحه کتاب، نشریه، رساله، تحقیق و گزارش‌های گوناگون از جنبه‌های مختلف، مسئله معماری را در چهارچوب‌های نظری مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند و اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها تلاش کرده‌اند که خود را به ارائه ساختارهای نظری محدود نکرده بلکه راه‌حل‌های عملی را طرح کنند و حتی تا حد پیشنهاد نظری و عملی برای نظارت بر اجرای نظریه در مداخلات و بررسی‌های خطی نتایج اجرای آن پیش روند.

این نظریات ابتدا چهارچوبی کاملاً مبتنی بر پایه‌های نوسازی، فناوری و ولایت دادن مطلق به رشد کالبدی، کمی و علوم پایه و دقیق نسبت به سایر شاخه‌های تحت و سایر الگوهای توسعه داشتند. با این وصف از همان دهه ۱۹۵۰، نظریه‌های دیگری نیز پا به میدان گذاشتند و کینزی‌ها و نوکینزی‌ها، نظریات سوسیالیستی یا دولت‌محور، لیبرال‌ها و نولیبرال‌ها و انواع و اقسام نظریه‌هایی که تلاش می‌کردند بازار آزاد را با محدودیت‌های کنترل دولتی تلفیق کنند، هریک پا به عرصه رقابت نظری و عملی با یکدیگر گذاشتند تا شاید بتوانند فرایند توسعه و تحولی که به سرعت در حال بروز

نتایج خود بود را دارای توجیه عقلانی نشان دهند و انتقادات نظریه‌ها را نسبت به یکدیگر چاشنی تغییرات لازم در میدان عمل کنند. با وجود این، هرچند همواره نظریات جدید و جدیدتری زاییده شدند و انسان‌محوری، فرهنگ‌محوری و ملاحظات مبتنی بر مشروط کردن توسعه کالبدی بر توسعه انسانی غالب شدند، اما پهنه نظری همچنان دچار آشفتگی ماند. نزاع میان کسانی که معتقدند هنوز می‌توان از یک جهان‌شمولی توسعه‌ای و شاخص‌های روشن و دقیق کالبدی و به‌ویژه شاخص‌های فیزیکی و قابل اندازه‌گیری به مثابه ابزار و هدف، دفاع کرد و آنها که بر خاص‌گرایی‌های فرهنگی - انسانی تأکید می‌کنند و شاخص‌ها را جز به صورت نسبی نمی‌پذیرند، همچنان ادامه دارد. چون آن‌ها بتوان با بی‌طرفی کامل یک گروه نظری را برنده‌ی واقعی این مناقشات معرفی کرد.

اما در عرصه عمل واقعیت توسعه آن‌گونه که به عمل درآمد و نه آن‌گونه که «باید» به عمل درمی‌آمد، معین به فاجعه‌ای بزرگ منجر شد که امروز شاهدش هستیم؛ بحرانی جهانی که کمتر راهی برای آن - که شاید امید برای بازگشت به وضعیتی قابل تحمل‌تر را به همراه داشته باشد - پیرامون ماری جهان پس از جنگ جهانی دوم و انتقال حوزه توسعه از دو سوی اقیانوس اطلس به پهنه‌های گسترده و رشدنیافته آسیا، اقیانوسیه، آفریقا و امریکای مرکزی و جنوبی و چرخشی حسرت‌انگیز به سوی نظریه «توسعه صفر» در کشورهای مرزی و همسایه بازگشت به اقتصاد واقعی در برابر اقتصاد سوداگران مالی - پولی است. برنامه‌ریزی‌های کلان برای کاغذ آوردن و سخن گفتن از آن بسیار سهل‌تر از حتی شروع به اجرا و آماده‌سازی زمینه‌های است. بحران زایش خاورمیانه جدید در طول سال‌های اخیر که نمود از دل بحران بزرگ‌تری در بازتوزیع منابع فسیلی در طول دو دهه‌ی گذشته بیرون می‌آید، اسباب‌افشای سیاسی و نظامی‌گرایی‌های خاص آنها، امروز باید تصویری برای همگرا شدن آنها شاید این تغییرات بزرگ و ناگزیر می‌توانند به همراه بیاورند، ایجاد کرده باشند.

توسعه در حقیقت، با پیش‌نهادن یک آرمان‌شهر (اتوپیا) با عنوان زیبایی «جهان نو» فراایندهای آرمان‌شهری قرن نوزدهمی و بیستمی را تکرار کرد، اما با این تفاوت عمده که اگر آن آرمان‌شهرها به‌وسیله اندیشمندان و مردمی هدایت می‌شدند که اغلب دستشان تهی و قدرتشان محدود بود، اما باز هم با رسیدن به قدرت، توهم اراده‌گرایی چنان گریبانشان را گرفت که بزرگ‌ترین تراژدی‌های تاریخ بشریت را رقم زدند. این بار، غایندگان آرمان‌شهر، خود صاحبان قدرت هستند، با تمام ابزارهای بی‌نهایت دولت از

ثروت و زرادخانه‌های بزرگ جنگی گرفته، تا تمام سازوکارهای نظارتی و دستکاری ساختارهای زیست انسان‌ها در تمام ابعاد تا حد کوچک‌ترین اشکال زندگی روزمره، بنابراین نتیجه می‌تواند، این‌بار بسیار فاجعه‌بارتر باشد، چنان‌که حتی اگر انسان‌هایی بدین هم نباشیم، تجربه ۱۲ ساله که از آغاز هزاره سوم می‌گذرد باید به ما نشان داده باشد که چه تراژدی‌های بزرگی می‌توانند در این قرن انتظار مردمانش را بکشد.

شاید موضوع این کتاب، خود مصداقی بر این مدعا باشد که: پرسودترین منابع جنگ و ضروری‌ترین آنها یعنی انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز) امروزه در منطقه‌ای مراکز شده است که در نیم قرن گذشته هرگز روی صلح به خود ندیده، اما امروزه می‌رود که شاید شاهد تخریب نظام‌مند و یک‌به‌یک پهنه‌های بزرگ سرزمینی خود باشند، تخریب در معنای واقعی کلمه؛ همان‌گونه که در فاصله قرون شانزده تا نوزده در قاره افریقا شاهد تخریب «ساحل عرب» تاکنون حاصلی جز «زمستانی تلخ و دردمند» برای ساکنان این مناطق نداشت. چندین کشور از جمله افغانستان، عراق، لیبی و شاید به زودی پاکستان و سوریه به طور کامل ویران شده و هزاران سال به گذشته بازگشته‌اند. منابع، در این کشورها تقریباً در هیچ کجا، حتی در «سوپرمارکت»های بزرگی که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ایجاد می‌شوند، نتوانسته‌اند، به صلحی پایدار، توسعه‌ای با چشم‌اندازهای قابل‌دهد و حتی به نقاطی با اندکی روشنائی در انتهای یک تونل طولانی که براساس آن توان سرمایه‌های توسعه‌ای و درازمدت (و نه سرمایه‌های معطوف به «تست و شوی مالی» یا «بورسهای مقطعی سوداگرانه») را به سوی آنها جذب کرد. تجربیات توسعه در قرن بیستم بی‌شمار روی «پول معکوس» نشان دادند که نداشتن «منابع» توسعه در برخی از پهنه‌ها به شکست توسعه دامن زده است. تجربه تاریخی ژاپن را که در دوران میجی، یعنی تقریباً هم‌زمان با دوره ناصری ما از انزوای تاریخی خود خارج شد، را در نظر بگیریم؛ یا تجربه کشورهایی چون ترکیه را که به رغم نزدیک به نیم قرن نظامی‌گری، توانست تمام الزامات و محدودیت‌های فرهنگی کشوری در خاورمیانه مسلمان را با ساختن منبع توسعه‌ای جدید و همچنین بدیهی‌ای در خود یعنی گردشگری، سازش دهد.

امروزه جهان بیمار سیاستی است که پس از جنگ جهانی دوم در پیش گرفته شد و هدف، استفاده از ابزار پول، آن‌هم در بدترین شکل آن، یعنی تبدیل ضمانت‌های طبیعی (طلا و سنگ‌های قیمتی) برای این پول به ضمانت‌های پولی (دلار) و در نتیجه سیاسی- نظامی است. چگونه می‌توان انتظار داشت که قوی‌ترین پول جهان بتواند

بدون در نظر گرفتن قروض عظیم خارجی (به پول همان کشور مقروض) و مشکلات اقتصادی بی نهایت خود در سطح داخلی، بدون توسل به نظامی گری در سطح بین المللی، ضمانت های لازم را نه تنها برای پول خود بلکه برای پول جهان آن هم در شرایطی که فرایندهای پولی شدن و پولی کردن تمام سازوکارهای توسعه ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... جهان به نقطه ای غیر قابل برگشت رسیده اند، تأمین کند.

نوام چامسکی در یکی از سخنرانی های اخیرش این پرسش اساسی را مطرح می کند که در برابر این آشفتگی بی حد و حصر جهانی که همه از آن در رنج هستند - چه مردمان کشورها و توپا یافته و چه در حدی بیشتر، مردمان کشورهای در حال توسعه - و در برابر این شکست تقریباً مطلق توسعه در نظریه و عمل، واقعاً چه می توان کرد: آیا باید انتظار داشت که جنگ با جنگ های جهانی آن را به پایان برند؟ در این صورت چه کسی حاضر است برای سیاستمداران آبرویافته و نظام های سیاسی بی اعتبار، جان خود را فدا کند؟ چه کسی حاضر است بپذیرد که «ملت» ها هستند که واقعاً در این جهان حکومت می کنند؟ و چرا این نازی به آدم ها برای چنین جنگی نباشد و ما به سوی سناریوی جنگی ادامه ندهیم؟ کسی می تواند ضمانت کند که بشریت با هزاران سال عقب افتادگی از جنگ جهانی خارج نشود و یا اصولاً خروج خود را ناممکن نکند؟ باز هم چامسکی می پرسد که آیا باید در انتظار انقلابی جهانی بود؟ در این صورت چنین انقلابی کدام آرمان شهر یا آرمان ها هدف دارد، قرن بیستم واقعاً چه چیز از آرزوها و چشم اندازهای دوردست میراث باقی گذاشت و سازوکارهایی که دوست سال است به صورتی تعمدی به پیچیدگی و درازا خارق العاده و غیر قابل تصویری رسیده اند را چگونه می توان به دست افرادی صرفاً آگاه و گرا داد بدون آنکه فاجعه ای بزرگ رخ ندهد؟

این پرسش ها و پرسش هایی از این دست است که تحقیق و روشن سازی آنها بی نظیر کتاب حاضر را توجیه می کند. شاید این پرسش بیش آید که تا چه زمانی باید در راهی توسعه، نظریات آن و نقد و بازاندیشی درباره ی این نظریات و نتایج عملی آنها نوشت و بازنوشت؟ پاسخ تا حد زیادی روشن است: تا زمانی که انسان ها بتوانند به حداقلی از آرامش و کاهش تنش های موجود در سطوح خرد و کلان زندگی خود از پهنه کوچک قبیله ای و قومی گرفته تا پهنه های عظیم بین المللی برسند. چگونه می توان پذیرفت که امروز شصت سال پس از جنگ جهانی دوم، هنوز بیش از یک سوم بشریت صرفاً در

دو دولت ملی (چین و روسیه) زندگی کنند که هم از توسعه محرومند و هم از آزادی؛ و بارها نشان داده‌اند که با سیاست‌های خود در سطح داخلی و بین‌المللی به هیچ چیز جز حفظ موقعیت غیرقابل دفاع خود یعنی حفظ یک حزب کمونیست قدرتمند در کنار یک سیستم سرمایه‌داری قرن نوزدهمی در یک مورد (چین) و حفظ یک سیستم سرمایه‌داری مافیایی و از میان بردن دموکراسی در بازی پول و فساد، در کنار یک دستگاه نظامی‌گرای قدرتمند بین‌المللی در مورد دیگر (روسیه) غمی‌اندیشند. بیش از یک سوم آنان در فقیرترین کشورهای جهان سوم و کمتر از یک سوم آنان در کشورهای با شدیدی در بحران‌های ساختاری اقتصادی و اجتماعی، رشد فاشیسم‌های نوظهور، تکرار فراموشی غفلت‌های مدیریت، طرد و حاشیه‌ای شدن هرچه بیشتر بخش بزرگی از جمعیتشان که جهان «مارم» نامیده شده‌اند) زندگی خود را ادامه می‌دهند. و پول که انتزاعی بی‌معنی است به واسطه اهرم‌تمام مبادلات، عقلانیت‌ها، رفتارها و سازوکارهاست و سرنوشت همه بشریت به دست گرفته‌اند.

این کتاب بدون شک نمی‌تواند ادعای بی‌نقصی به تمام این پرسش‌ها بدهد، اما بی‌شک می‌تواند با دقت نظر مؤلفان و ریز شده‌های دقت نظر به‌های توسعه و نقد آنها با رویکردی جدید، ما را در راهی قرار دهد که بتوانیم دست‌کم مسائل مربوط به توسعه‌ی امروزی را بهتر درک کنیم؛ به‌ویژه آنکه ما خود در توسعه‌ی اصلی با «منابع طبیعی» برای توسعه قرار گرفته‌ایم و از قربانیان اصلی آنچه از میانه رفتن «منافع انسانی» نامیده می‌شود به‌شمار می‌آییم. مطالعه کتاب که با نگاه و رویکردی علمی و بدون جانبداری نوشته شده است و در جای‌جای آن می‌توان این تمایل به حفظ گفتار علمی را دید، باید نشدن در مباحث مناقشه‌برانگیز را مشاهده کرد، کلیدی راهگشا برای گره زدن از سازوکارهای اصلی بازی کنونی توسعه را در سطح جهانی، منطقه‌ای و تبعاً سطح ملی در اختیار خوانندگان علاقه‌مند قرار خواهد داد و به آنها تأکید می‌کند که کارهای یاد نبرند هیچ چیز به‌جز برخورداری از عقل و خردی جمعی، که در شرایط کنونی جهان امروز، نمی‌تواند جز یک عقل واحد جهانی باشد، نخواهد توانست درها را به‌سوی جادویی و سرپیچ‌وخم و سخت و جانکاه، به‌سوی توسعه‌ی انسانی و مادی و شاید سرانجام رسیدن به آرمان‌شهری که در آن انسان دیگر در جنگ و رقابتی بی‌فایده با طبیعت خوشبختی خود را نجوید، بگشایند. امسال سیصدمین سالگرد تولد ژان ژاک روسو است، اندیشمند بزرگی که سه قرن پیش پیش‌بینی کرده بود که جدایی انسان از طبیعت هر اندازه ریشه‌ای‌تر و هر اندازه بیشتر مبتنی بر توهم برتری دانش و فرهنگ انسانی نسبت به

طبیعت باشد، آینده شوم‌تری را برای انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد. اما روسو این را نیز از قلم نیانداخته بود که چه خواسته باشیم و چه نه این اتفاق رخ داده است و بازگشت انسان به طبیعت امری ناممکن است، اما سازش او با طبیعت، قرار گرفتنش در عقلانیی معطوف به نیکبختی و نه معطوف به قدرت در رابطه با طبیعت، امری است ممکن و قابل دسترسی، هرچند با تلاش و تحمل مصایب و سختی‌هایی بی‌شمار.

دانشگاه تهران

مدیر گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی

پیش‌گفته: به‌سوی پیش‌نظریه^۱

توسعه‌ی منبع‌محور❖

پیشرفت و توسعه به‌سوی یک جدی‌ترین دغدغه‌های انسان قرن بیست‌ویکمی مطرح است. مطالبه‌ی توسعه، توسعه به‌سوی انتار اندیشه‌ای و ادبیات علوم اجتماعی مسئله‌ای چندان مسبوق سابقه نیست، اما در سال‌های مختلف تاریخی، انسان همواره با آن مواجه بوده است. مباحث کلامی، مفهومی و نظری از توسعه، مدل‌ها و الگوهای پیشرفت را در فصول کتاب به تفصیل در نظر داشتیم؛^۲ اما در این مجال مختصری از زمینه‌های تألیف کتاب حاضر و موضوعات مورد توجه آن را بیان می‌کنیم. ایده‌ی نگارش این کتاب و پرسش‌هایی که تلاش دارد بدان پاسخ گوید، براینند: «آیا یک^۳ چهار جریان نظری مهم هستند. توسعه‌ی انسان به‌عنوان یک مسئله تاریخی، آینده‌ی توسعه و چالش‌های پیش روی آن؛ تحول در ساخت نظریات توسعه و جریان بومی‌ان توسعه در ایران، مهم‌ترین محورهای هستند که تأمل در آنها ضرورت‌های نگارش این کتاب است. هدف از آن را روشن می‌سازد. درواقع این محورها در یک امتداد معناشناسانه^۴ قرار دارند. تجربه حاصل از تاریخ توسعه و موفقیت‌ها و به‌ویژه عدم توفیق‌های آن، باید آنرا بدهی مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی برای آینده‌ی بشر و از جمله توسعه به‌عنوان یک علم»^۵

۱. پیش‌نظریه (Pre-Theory) عبارتست از عناصر فکری که لزوماً در تلفیق با هم به‌طور مستقل نظریه‌ای نمی‌سازند ولی نقطه‌ی آغاز ممکن برای بنای نظریه در اختیار می‌گذارند.

2. Daialectic

3. Semantic

۴. اگرچه شاید این بحث از توسعه به‌مثابه یک علم مستقل همچون جامعه‌شناسی، علم سیاست و غیره چالش‌برانگیز و مورد مجادله باشد، اما به اعتقاد نگارنده روند تحولات نظری و عملی این عرصه، نشانه‌های جدی در این زمینه را دربر دارد.

است؛ به نحوی که این سابقه‌ی تاریخی و تحولات چالش‌برانگیز آن در آینده، ضرورت بازنگری و تحول در ساخت نظریات توسعه را تداعی می‌کند. اگرچه این بازاندیشی در ساخت نظریات توسعه امری جهانی به‌نظر می‌رسد، اما در ایران، جریان توسعه‌ی بومی به‌عنوان پاسخی نظام‌مند به این روند جهانی قابل تلقی است. کتاب پیشرو را می‌توان از این منظرگاه مورد بررسی قرار داد.

تحلیل تاریخ توسعه نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه‌ای در ایران موفقیت مورد طارشان را کسب نکرده‌اند و چنان‌که گذشت، کسب وضعیت توسعه‌یافتگی همچنان هدفی برای آینده ایران است. به‌نظر می‌رسد این وضعیت در عرصه‌ی جهانی نیز تکرار شده باشد. راهبردهای توسعه‌یافتگی، خواسته‌ها، مطالبات، مطلوبیت‌ها و سطوح رضایت مطرح‌شده در گذشته همچنان در بنای امروز نیز تأمین نشده‌اند. بنابراین روند دست نیافتن به اهداف توسعه‌ای، مستلزم جهشی است تا ملی، لفت‌ویچ^۱ این وضعیت را این‌گونه تشریح می‌کند: «به‌رغم تنوع معانی اهداف توسعه، به‌رغم کوشش‌های مداوم و به‌رغم تغییرات منظم در اولویت‌ها و سیاست‌ها، عملکرد کشورهای اندکی در جهان در حال توسعه به افزایش منظم، قابل قبول و مستمر در استانداردهای دست یافته‌اند. در سال ۱۹۷۳ رابرت مک نامارا^۲، رئیس وقت بانک جهانی، ضرورت پایان دادن به فقر جهانی را تا سال ۲۰۰۰ به‌عنوان هدف اصلی توسعه قلمداد کرد؛ حال آنکه هیچ‌چیزی حتی نزدیک به این هدف، حداقل در اکثر کشورهای در حال توسعه، محقق نشده است... لذا با اندازه‌ای طنزآمیز است که هدف سال ۱۹۷۳ مک نامارا، همچنان یکی از اهداف کنونی باشد»، یعنی کاهش نسبت مردم در فقر شدید به نصف تا سال ۲۰۱۵ است» (لفت‌ویچ، ۳۸۱: ۱۹۹۶).^۳

چنین عملکردی از تفکرات، مدل‌ها، راهبردها و برنامه‌ها توسعه‌یافته نه تنها سازنده‌ی وضعیت پرتلاطم کنونی جامعه‌ی جهانی است، بلکه نقش بسزایی در پیدایش تحولات آینده انسان نیز دارد. به بیان دیگر تفکیک میان تصمیمات توسعه‌ای در گذشته با آینده غیرممکن است و ناگزیر پیوند میان گذشته و آینده را در علم توسعه نیز باید مورد تأمل قرار داد.

1. Left V.

2. Robert Mac Namara

۳. در یک نگاه تاریخی دهه‌زارساله، پیشرفت بشر طی دویست سال گذشته خارق‌العاده بوده و دستاوردهای شصت سال اخیر به یک معجزه شبیه است. طی این دو قرن با افزایش بهره‌وری اجتماعی، انسان توانسته است پذیرای جمعیتی به میزان ۱۲ برابر جمعیت ابتدای قرن ۱۹ باشد و نیازهای آنها را به‌طور نسبی تأمین کند. از سوی دیگر سالیات مفهوم توسعه و پیوند ناگسستنی آن با مفهوم رضایت، توسعه را به مفهومی تقریباً دست‌نیافتنی مبدل می‌سازد؛ زیرا با افزایش نرخ دانش، مطلوبیت‌ها تغییر کرده و سطوح جدیدی از رضایت نیز تعریف می‌شوند.

تأمل در مورد آینده‌ی مسئله توسعه، وجود چالش‌هایی جدی را برجسته می‌سازد. عدم موفقیت نسبی توسعه در پاسخ به دغدغه‌های بشر و چالش‌های وسیع پیش رو در آینده، بی‌شک الگوی تفکر به توسعه و نوع برداشت کنونی ما به آن را متأثر خواهد ساخت.

۱-۱-۱. الیستر زیست‌کره و ناپایداری الگوهای توسعه

روند توسعه تاکنون با اتخاذ سیاست انسان‌محوری و با مرکز قرار دادن انسان به عنوان فاعل شناسای جریان توسعه، الگویی ناپایدار از پیشرفت ارائه کرده است. این ناپایداری به دلیل آن است که اساساً مسائل زمین به مثابه زیست‌کره از مسائل توسعه منفک شده‌اند. بحالی که این وضع پیشرفت تمدن بشر را نسبت به تحولات زمین آسیب‌پذیر می‌کند. این روند بی‌توجهی دیری نخواهد پایید که با زیاده‌روی در مصرف منابع زمین، از قابلیت بسترگونگی‌اش برای پیشرفت تهی سازد.

۱-۱-۲. چالش اروپا محوری و ضعف مدنی در مفهوم‌سازی توسعه

تاریخ، عنصر مهمی در ساختن نظریه توسعه است و نظریات غربی توسعه، مبتنی بر تاریخ اروپای مدرن شکل گرفته‌اند. بیشتر نظریات، مدل‌ها و الگوهای توسعه، ریشه در فلسفه، نظریات اجتماعی و تاریخ غرب دارند و به همین قالب‌بندی اروپا‌محورانه‌ی تاریخ جهان است که اکثر نظریات توسعه را آکنده و دربر گرفته است. به تعبیر باری بوزان^۱ اروپا با تأکید بر موفقیت امپریالیسم اروپایی، جهان را از نظر اسلام مطابق تصویری که خودش از دولت‌های سرزمینی و حاکمیت داشت بازسازی کرد. اگر نظریه انتقادی و به‌ویژه کاکس^۲ در مورد نظریه و ضرورت‌های درونی آن را به این بحث اضافه کنیم، نتیجه جالبی به دست خواهد آمد. کاکس می‌گوید نظریه همواره به نفع کسی برای مقصودی پرداخته می‌شود. پس باید بتوان از خلال اروپا‌محوری نظریات توسعه، به دنبال استانداردها و مطالبات پنهان در این نظریات نیز شد. این امر سرشت نظریات، مدل‌ها و الگوهای توسعه را هر چه بیشتر جانبدارانه ساخته و دامنه محدودتری از بشریت را دربر می‌گیرد.

۱-۱-۳. چالش ایدئولوژیک‌سازی و کارویژه سلطه در توسعه

در امتداد چالش منفعت در نظریه توسعه، ابعاد ایدئولوژیک این الگوها و نظریات مطرح

1. Barry Buzan

2. Cox

هستند. از این منظر مفاهیم، نظریات و مدل‌های توسعه ابزارهای صورت‌بندی‌شده‌ای از ایدئولوژی حکومتی مطلوب غرب را دربردارند. ایده‌ی حکمرانی خوب^۱ به‌مثابه یک نظریه توسعه، لیبرال - دموکراسی را معیار حکومت خوب تعریف می‌کند و هر ساخت قدرتی خارج از آن را مردود می‌شمارد. بدین ترتیب با ایدئولوژیک و سیاسی شدن هرچه بیشتر نظریات توسعه، بخشی مهم از آنها به‌سوی تأمین کارویژه‌های قدرت هژمون^۲ متمایل می‌شوند تا بتوانند الزامات استمرار هژمونی را ایجاد کنند.

چالش یک‌ان‌سازی و خلق وحدت نظری در نگاه به توسعه

بورن^۳ از بحث نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل، استیلای این نظریات بر ادبیات روابط بین‌الملل و ایجاد جهان نظریه‌پردازی این رشته و به تعبیر وی برای سلامت «پروژهی دامنه‌دار شناخت بین‌المللی» غیرمفید می‌داند. به نظر می‌رسد می‌توان این دیدگاه را به نظریه و الگوی توسعه نیز تعمیم داد. تسلط گسترده‌ی نظریات و الگوهای غربی توسعه، گرایش‌ات همسوگرایانه در روش‌شناسی نظری و عملی برای یکسان‌سازی اندیشه در این حوزه و شکل‌دهی به‌گونه‌ای از توسعه و نظری آن را تداعی می‌کند. اگرچه می‌توان گونه‌های محدودی از الگوهای موفق توسعه را شرق و غرب را دانست ولیت توسعه‌گرایی مالزی و یا کره جنوبی را مثال زد، اما روند غالب، حکایت از تسلط اندیشه غرب در این حوزه دارد.

چالش رشد فناوری، آینده بشر و اخلاق توسعه

پیشرفت فناوری، آینده انسانی را به کدام سویی می‌کشاند؟ رشد خارج از کنترل فناوری‌های جدید در برخی حوزه‌ها از جمله فناوری هسته‌ای، ژن‌تیک، پزشکی اعصاب و روان و سلول‌های بنیادی، محصول الگوها و نظریات کنونی به حساب می‌آیند. فوکویاما^۴ در این مورد تأکید می‌کند که رشد خارج از کنترل این یافته‌های علمی می‌تواند منشاء

1. Good Governance

۲. قدرت هژمون (Hegemonic Power)، قدرتی است که در شرایط آنارشی حاکم بر جهان، تلاش دارد جلوداری و تفوق خود را حفظ کند. قدرت هژمون از یک ایدئولوژی مقبول برخوردار است و عناصر قدرتش با رضایت دیگران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. معمولاً قدرت هژمون به ایجاد نهادها، قواعد و رژیم‌های متناسب با منافع خود و متحدانش برای ایجاد ثبات هژمونیک تمایل دارد.

3. Barry Buzan

4. Fukuyama

تضادهای جدید باشد. درواقع با تغییر بنیاد زیست انسان و ظهور تدریجی فراانسان^۱، فناوری منشاء پیدایش تضادهای جدیدی می‌شود که با ایجاد دگرگونی در روابط انسانی، روابط بین‌الملل، نظام‌های سیاسی و حقوق بشر، شاید آینده بشر را محاطه‌آمیز سازد. در اینجا است که مسئله اخلاق توسعه به‌عنوان یک چالش فلسفی جدی مطرح می‌شود. که نظریات کنونی توسعه عموماً در برابر آن ساکت هستند. چه توسعه‌ای خودخواه و چه توسعه‌ای بد است؟ حدود توسعه چیست و حدود اقدامات ضدتوسعه‌ای چیست؟

چالش امنیت جنگ‌های کم‌شدت

آیا دنیای امروز امن است؟ آیا تلاش نظریات توسعه و گرایش‌های مختلف آن دنیای امروز را امن‌تر ساخته است؟ این پرسش‌ها ذهن بسیاری را به خود مشغول می‌سازد. اگرچه اندیشه کانت^۲ی به‌عنوان بنیان‌گذار جنگ میان دولت‌های جمهوری و تبلور آن در نظریه صلح دموکراتیک^۳ ریل آید. دیدن این نوید را می‌دهد که هم‌زمان با رشد نرخ توسعه‌یافتگی از خطر بروز جنگ کم‌شدت^۴ می‌شود. تجربه تاریخی پس از جنگ جهانی دوم نیز به‌نوعی مؤید این مطلب است، اما رشد جنگ‌های کم‌شدت به‌ویژه از دهه هفتاد و افزایش آمار تلفات انسانی^۵، امنیت را هم‌زمان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های نظریه توسعه مطرح می‌کند که هنوز راهکاری جدی برای آن ارائه نشده است.

فرد و چالش تعارض درونی

با وجود ارتقای شاخص‌های رفاه نسبی، نبود رضایت، خوشبختی و شادمانی درانسان قرن بیست و یکمی تعارضی جدی است که نظریات و تفکرات توسعه را به چالش می‌کشد. شاید این چالش، مطلب جدیدی نباشد و ریشه در تقابل است و تجدید داشته

۱. S. J. Perlmutter

۲. Kant

۳. Dewell

۴. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ (یعنی اوج دوره‌ی نظریه‌پردازی‌های توسعه)، ۱۶۰ جنگ کم‌شدت میان دولت با بازیگران غیردولتی همچون گروهک‌ها، شورشیان محلی و غیره رخ داده است که حدود ۲۰ میلیون تلفات دربر داشت. این روند رشد تلفات جنگ‌های کم‌شدت در دهه نود نیز ادامه یافت. در دهه نود بیش از ۹۰ درصد جنگ‌ها در داخل کشورها و به‌صورت درگیری محلی بروز کرده است و نه در قالب جنگ پرشدت میان دولت‌ها. رجوع کنید به: «مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی نظامی و جنگ‌های اطلاعاتی»، عبدالرسول دیوسالار، دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر، ۱۳۸۶.

باشد، اما ناتوانی الگوها و نظریات توسعه برای درمان آن، گریبانگیر این علم در آینده نیز خواهد بود.

چالش‌های برشمرده شده حکایت از آن دارد که تجربه شصت سال نظریه‌پردازی منسجم درباره توسعه، هنوز راه درازی در پیش دارد و همچنان مسائل فراوانی پیش روی توسعه به عنوان یک گرایش علمی جوان قرار دارد که باید به آنها پاسخ گوید. در این تجربه این دوران نظریه‌پردازی، می‌تواند ما را به برخی خط‌مشی‌های کلیدی در مورد روندهای مطالعاتی آتی رهنمون سازد که به نظر می‌رسد هر روز مورد توافق طیف وسیع‌تری از اندیشمندان و رزان قرار می‌گیرند. این خط‌مشی‌ها برای جهت‌دهی به آینده‌ی مطالعات توسعه عبارتند از:

■ **ضرورت گذر از ادوایت‌های کلان‌نگر^۱ و نظریات جهان‌شمولی همچون نوسازی، وابستگی، تلاش جهانی و غیره که تلاش می‌کردند با تقلیل مسائل بشری به برخی مسائل اروپامحور یا آمریکامحور به آنها پاسخ گویند.** اگر به تعبیر والتز، معیار تناسب نظریه را سودمندی آن بدانیم، آن‌گاه باید گفت نظریات جهان‌شمول کلاسیک از سودمندی لازم دست‌کم در مورد جهان، برخوردار نیستند و لذا الزاماً نظریات خوبی برای ما به حساب نمی‌آیند.

■ **ضرورت محلی‌گرایی^۲ نظریات و پژوهش توسعه گزاره‌ای است که از ناکارآمدی و سودمند نبودن نظریات جهان‌شمول در پاسخ به بسیاری از مسائل توسعه کشورهای غیرغربی ناشی می‌شود.** بنابراین ساخت نظریات باید توسعه باید هرچه بیشتر به سوی ملحوظ داشتن دغدغه‌های بومی برای رفع مطالبات منطقه‌ای پیش رود. درواقع تناسب هرچه بیشتر نظریه با نیاز محلی برای فراهم ساختن بیشترین میزان رضایتمندی و مطلوبیت، الزامی خواهد بود.

توصیف مختصر وضعیت موجود مطالعات توسعه و خط‌مشی‌های اساسی که باید در آینده پیگیری کند، ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که مطالعات ایران باید پاسخی به این چالش‌ها و خط‌مشی‌ها ارائه کند. به نظر می‌رسد جریان نظریه‌پردازی در قالب توسعه‌ی بومی فرصتی مغتنم برای رسیدن به این هدف باشد؛ زیرا پاسخی به این تحولات در ساخت نظریات توسعه است. تلاش برای طراحی یک الگوی بومی توسعه،

1. Holistic

2. Kenneth Waltz

3. Localization

باور به این است که نظریات مرسوم غربی، برای پیشرفت و توسعه ایران جامع و مانع نیستند و بدین‌گونه بستری برای بازاندیشی نظری در مفهوم توسعه ایجاد می‌شود. از سوی دیگر الگوی بومی می‌تواند در قالب ضرورت طرح خرده‌نظریات توسعه مبتنی بر نیازهای محلی و مسائل ملی نیز تحلیل شود. بدین ترتیب ضمن آنکه واکنشی معقول به تحولات مطالعات توسعه به‌شمار می‌رود، فرصتی فراهم می‌کند تا با تزریق رویکردها و اندیشه‌های ویژه‌ی ایرانی و فرهنگ اثرگذار اسلامی، امکان تولید طیف جدیدی از نظریات غیرغربی توسعه ایجاد شود. این جریان اندیشه‌ای، فرصتی برای اندیشه‌ورزان ایرانی توسعه‌ی منابع را با رویکردی انتقادی به تحلیل نظریات موجود پرداخته و در شبکه‌ی مبانی توسعه، قادر به تولید رویکرد منحصر به فرد مورد نظرشان برای توسعه ایران می‌شود.

گروه مطالعات توسعه‌ی ملی در این راستا و با چنین برداشتی، جسارت ورود به عرصه‌ی نظریه‌پردازی پیشرفت را توسعه‌ی منابع را به خود داده است؛ به‌طوری که بتواند از زاویه‌ای جدید و به کمک سطوح محلی، منطقه‌ای و از طریق برجسته‌سازی مسائل ویژه‌ی ایران در امر توسعه وارد عرصه‌ی نظریه‌پردازی شود. مطالعات ارائه شده در این کتاب از این منظر چهار هدف اصلی را پیگیری می‌کند:

- فراهم آوردن و ایجاد روزنه تحلیلی جدید و نگاهی متفاوت از طریق شناسایی گلوگاه‌های کمتر برجسته در مسائل توسعه ایران؛
- ایجاد بستر انتقادی نسبت به مکاتب متداول توسعه در منظر اندیشه بومی به‌منظور امکان‌سنجی تولید نظریه توسعه غیرغربی؛

■ آماده‌سازی مبانی نظری، عناصر فکری و مفروضات ضروری برای امکان‌سنجی طراحی یک پیش‌نظریه توسعه در آینده و برداشتن نخستین گام‌ها برای اثبات اثر؛

- ایجاد زمینه برای درک اهمیت رابطه میان منابع و توسعه از منظر ملی و منطقه‌ای.

اما شاید این پرسش ذهن را به خود مشغول سازد که اساساً چرا نسبت به مؤلفه منابع با توسعه برجسته‌سازی شده است و منطق این انتخاب و سطح اثر استراتژیک آن بر توسعه به چه میزان است؟ در درک اهمیت مؤلفه منابع در نظریه توسعه ایران، شکاشی تاریخی ضرورت دارد؛ هرچند در این مجال نمی‌گنجد. اما همین بس که منابع جغرافیایی و منابع طبیعی ایران در طول تاریخ نقش‌های توسعه‌ای و ضد توسعه‌ای متنوعی به خود گرفته‌اند. موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قابلیت‌های ژئواستراتژیک آن به‌عنوان یک منبع سرزمینی منبعث از جغرافیا تأثیرات شگرفی در روند کند پیشرفت ایران داشته است.

رقابت کلاسیک قدرت‌های بحری و بری، ایران را مطابق نظریه کمربندهای شکننده‌ی کوهن^۱ در وضعیت بی‌ثباتی، شکنندگی و ناامنی پایدار قرار می‌دهد. آن‌چنان که حبیب‌الله پیمان (۱۳۸۴) در کتاب «ناامنی و بی‌ثباتی پایدار» این مسئله را در یک تحلیل تاریخی عمیق به غایتش درمی‌آورد. ناامنی ناشی از این منبع سرزمینی در چهره‌ی دیگری از منبع سرزمینی ایران یعنی منابع آب و خشکسالی نیز متجلی می‌شود؛ به طوری که تأثیر منابع آب بر کشاورزی و رفتار سیاسی و اجتماعی ایرانیان را نیز ویتفولگل^۲ در نظریه شتداد شرقی^۳ خود طرح می‌کند. این سوابق تاریخی متأثر از منابع، به روندهای توسعه ایران امروزی نیز تأثیری یافته‌اند. منبع طبیعی همچون نفت به تهای تأثیری شگرف و استراتژیک بر روند رشد ایران گذاشته است. این تبیین مختصر تاریخی با مباحث مفصل نظری مطرح شده در اصول کتاب کامل شده و نشان خواهد داد که اهمیت مؤلفه منابع در نقش یک متغیر اساسی در سرنوشت‌ساز در روند توسعه ایران چقدر است و آیا از چنان اهمیتی برخوردار است که پایه‌های لازم برای یک نظریه بومی به‌منظور تحلیل وضعیت توسعه و پیشرفت ایران را ارائه کند.

تأکید بر خلاقیت^۴ و نوآوری^۵ در طرح نظر و عبور از مرزهای ساختگی مکاتب برساخته‌ی مرسوم، یکی از ویژگی‌های این تلاش گروهی است. همچنین در ایده‌یابی این اثر اطمینان گسترده‌ای به اندیشه‌ی جمعی شده است و از روش‌های اندیشه‌ورزی مبتنی بر فعالیت گروهی همچون طوفان فکری^۶ و روش‌های تحلیل تفسیری^۷ بهره‌ی فراوان گرفته شده است. ضمن آنکه هیچ‌گونه پایبندی به نظریه متداول غربی در میان نبوده است و با آگاهی از بار ایدئولوژیک آنها، التزام به آزاداندیشی در جریان نظریه‌پردازی مورد توجه قرار گرفت. باور به اینکه در این آشفته‌بار نظریه‌پردازی و در دوره‌ای که

1. Kohern

2. K.A. Vitfogel

۳. ویتفولگل استدلال کرد که در جوامع آسیایی به دلیل نیاز کشاورزی به سیستم آبیاری مصنوعی (در مقابل آبرندها و کانال‌ها) و ناتوانی مالکان خصوصی منفرد و جماعات دهقانی در احداث و نگهداری چنین سیستم آبیاری، ناچار دولت در امر تولید مداخله کرد و این موضوع موجب تحکیم و تداوم قدرت اقتصادی دولت (مالکیت متمرکز) و تفوق سیاسی آن (خودکامگی) شد.

4. Creativity

5. Innovation

۶. طوفان فکری: تکنیک خلاق است که اساس آن بر تولید ایده بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای است. در این روش باید ایده‌های زیادی تولید کرد و در مرحله بعد آنها را دسته‌بندی کرد.

7. Explanatory Analysis

وجود هزاران تحلیل و نظر متعارض غوغا می‌کند، امکان طرح نظر برای ما نیز وجود دارد در رأس اندیشه‌های این گروه بوده است. این کتاب متشکل از مجموعه مقالاتی است که تلاش دارند نسبت میان توسعه و منابع را بررسی کرده و از این طریق سطح روابط میان آنها را نشان دهند. تمرکز اصلی تمام مقالات، شناسایی روابط مختلفی است که میان توسعه منابع برقرار است. بدین ترتیب هر فصل، خود مقاله‌ای مستقل است و مسئولیت صاحب مطالب بر عهده نگارنده آن است و از زاویه‌ی نگاهی ویژه‌ی خود به این پرسش پاسخ می‌گوید. بسیاری از ایده‌هایی که در مقالات مورد بحث قرار گرفته‌اند، محصول گفت‌وگوها و تفکراتی است که کارگروه منابع از سال ۱۳۸۸ تاکنون هستند. بنابراین اندیشه جمعی و طوفان فکری در ایده‌یابی مقالات به‌شدت مؤثر بودند. ضمن اینکه روش تحقیق از سوی هریک از نویسندگان ارائه گردیده شده است. لذا هر نویسنده براساس سلیقه و ساختار محتوایی مقاله، شیوه‌ی تحقیق خاص خود بهره برده است. در عین حال استانداردهای علمی واحدی از جهت نگارش و دیگر ضوابط نگارش مقالات علمی توسط گروه تعیین و هر مقاله براساس این ضوابط تدوین شد. این مقالات پس از دفاع در جلسات کارگروه، چندین نوبت اصلاح و ویرایش شدند. روند در گام‌های بعدی با جدیت بیشتری ادامه خواهد یافت. به همین سبب در این مجال از تمامی محققان و توسعه‌پروهان ایرانی برای تکمیل این مطالعات و تألیف کتب‌ای دعوت به عمل می‌آورم.

امیدوارم تلاشی‌های جمع‌کنیری از دست‌اندرداران توسعه کشور، اساتید و دانشجویان که در تولید و آماده‌سازی این اثر نقش داشته‌اند، در وجه جامعه علمی کشور قرار گیرد و زمینه‌های نقد و بررسی دقیق‌تر مباحث کتاب فراهم شود. همچنین بر خود لازم می‌دانم از همکارانم در کارگروه منابع ملی به‌ویژه جناب آقایان دکتر مهرداد ناظری، دکتر غلامرضا سحداد، دکتر مهران شمس‌اشر و همچنین خانم‌ها سرانجامه جعفری قدوسی، دکتر زهرا میراحسنی و معصومه ثانی جوشقانی به پاس مشارکت و ارائه بی‌شائبه در نگارش فصول مختلف این کتاب تشکر و قدردانی کنم. همچنین از دیگر اعضای فعال و بسیار مؤثر کارگروه به‌ویژه آقایان دکتر محمود فرهادی‌نیا، مهندس فرامرز اعراد، مهندس فیروز بالکافی، دکتر علی اسدی و دکتر ایمان هنرپور که توفیق بهره‌مندی از نوشته‌های آنها در این اثر فراهم نیامد اما حضور پرشور و اثرگذار آنها در غنای مطالب به‌غایت تأثیرگذار بود، سپاسگزاری می‌کنم.

اما بیش از هرچیز ضروری است از اعضای محترم هیئت‌مدیره مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره از جمله جناب آقای دکتر حسن حاج‌قاسم و به‌ویژه آقای دکتر

رحیم عباسی که با حمایت‌های بی‌دریغ خود بستر انجام چنین مطالعاتی را فراهم آوردند، قدردانی کنم. همچنین ضروری است مراتب سپاس خود از تلاش دقیق و مطالعه موشکافانه این اثر توسط خانم سمیه صالح‌نیا اعلام دارم. تلاش صمیمانه مدیر محترم انتشارات روزنه و همکاران ایشان که زحمات فراوان انتشار کتاب را متقبل شدند ستودنی است. در پایان خواهشمندم دیدگاه‌ها و نظرات سازنده خود را که بدون شک در پربار شدن و غنای مطالعات آتی مؤثر است از طریق مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره و پست الکترونیک manabemeli@gmail.com منتقل فرمایید.

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

عبدالرسول دیوسالار

رئیس کادر گروه توسعه و منابع ملی

مؤسسه اندیشه و پژوهش (اندیشگاه) طرح هزاره